

شماره ۱۳) وی پس از طی مدارج تحصیلی وارد دانشگاه فرایبورگ (Fribourg) شد و در رشته زبان و ادبیات روم باستان به تحصیل پرداخت. او فعالیت خود را در بخش حمایت از زنان مستقل به عنوان عضو فعال بخش حمایت از حقوق زنان با گرایش فمینیستی آغاز کرد.^۱ در آنجا با یک آلمانی ترک تبار به نام اریش سلیم اشپور (Salim Spohr Erich) آشنا شد که رهبری یکی از تشکل‌های دانشجویی دانشگاه فرایبورگ را عهده‌دار بود. سلیم اشپور که تازه به اسلام مشرف شده بود، بر باربل اثر نهاد و موجب شد وی اسلام را بپذیرد. او با سلیم ازدواج کرد و نامش را به هاجر اشپور تغییر داد. وی برای فراگیری آموزه‌های دینی به قبرس نزد شیخ نظیم حقانی، استاد سلیم و از عارفان نقشبندیه، رفت و مسائل معنوی و معارف قرآن را از او آموخت.^۲

خانم اشپور سفر خود را به حج، سفر به قلب اسلام می‌داند. وی با تفسیری صوفیانه، با اشاره به حدیث قدسی «آسمان و زمین گنجایش مرا ندارند؛ اما قلب بنده مؤمن مرا در

1. <http://www.focus.de/politik/deutschland/religion-probe-fuer-den-tod-aid-173373.html>.
2. <http://www.focus.de/politik/deutschland/religion-probe-fuer-den-tod-aid-173373.html>.

خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الملل و النحل: السبحانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق؛ الملل و النحل: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ المنار: رشید رضا (م. ۱۳۵۴ق.)، قاهره، دار المنار، ۱۳۷۳ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ المواصف فی علم الکلام: عبدالرحمن احمد الایچی (م. ۷۵۶ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۷ق؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ وسام الکرم فی تراجم ائمه و خطباء الحرم: یوسف بن محمد الصبیحی، مکه، دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۶ق؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

علی خراسانی



اشپور، هاجر: بانوی آلمانی حج گزار در سال ۱۹۹۰م. و نگارنده کتاب سفر به

مکه

باربل (Bärbel) که بعدها به هاجر اشپور تغییر نام داد، به سال ۱۹۵۸م. در بندورف (Bonndorf) در جنوب آلمان زاده شد. (تصویر

سفرنامه این تازه مسلمان آلمانی با عنوان سفر به مکه، در سه بخش تدوین و تنظیم شده است: بخش نخست، شامل رخدادهای مربوط به آغاز سفر؛ بخش دوم، اتفاق‌های روزهای حج؛ و بخش سوم، گزارش حوادث هنگام بازگشت از مکه است.

خانم اشپور همراه ۴۰ مسلمان ترک تبار از شهرهای آلمان و هلند در سفری زمینی به زیارت خانه خدا رفته است. او در این سفرنامه به نکات و رخدادهایی پرداخته که در موسم حج با آن‌ها روبه‌رو شده است. کاروان، نخست از یوگسلاوی سابق و اتریش گذشته و در یونان در محله‌ای ترک‌نشین در مسجدی اقامت کرده است. (ص ۳۸) کاروان سپس وارد ترکیه شد و در آنجا زائرانی را دیدند که همگی دارای یک هدف و مشتاق زیارت خانه خدا بوده‌اند.

از دید نویسنده، سفر حج، عظمت دین و پیامبر گرامی ﷺ را نشان می‌دهد. اسلام دینی منحصر به مشرق نیست و افزون بر این که پیامبر اسلام انسانی کامل است، زیبایی‌های اسلام، گواهی روشن بر کمال و جامعیت این دین است. (ص ۴۰)

کاروان از مرز عراق می‌گذرد و در راه از مقبره عبدالقادر گیلانی و بقعه‌ها و آرامگاه‌های مشهور کرخی، جنید و منصور حلاج دیدار می‌کند. خانم اشپور در سامرا به

خود جای می‌دهد^۱ سفر به مکه و مدینه را سفر به قلب انسان دانسته است. (ص ۱۲۱) وی پس از بازگشت از مکه، به سبب گرویدن به اسلام، از دانشگاه فرایبورگ اخراج شد و در کنار همسرش به تأسیس یک انتشارات کوچک در زادگاهش پرداخت؛ انتشاراتی که به یکی از بزرگ‌ترین مراکز نشر کتاب‌های اسلامی در آلمان بدل شده است.^۲ یکی از ویژگی‌های سفرنامه اشپور، تلفیق خاطرات با داستان‌های پندآموز تاریخی است. ویژگی دیگر، گزارش و تفسیر مکرر آیات و مضامین قرآنی و آوردن سخنانی از دانشوران غربی در تأیید آن مضامین معنوی است. سفرنامه او هم گزارش خاطرات است و هم بیان دیدگاه‌های یک نومسلمان درباره دینی که پذیرفته و کتابی که به آن ایمان دارد.

خانم پروفیسور آنه ماری شیمل (Annemarie Schimmel) اسلام‌شناس و شرق‌شناس آلمانی در کتابش به نام سال/اسلامی: جشن‌ها و مراسم از گزارش هاجر اشپور از سفر حج به منزله تصویری زیبا از احساسات زائران بیت الله الحرام و بی‌تکلفی مسلمانان در این سفر معنوی یاد می‌کند.^۳

۱. شرح فصوص الحکم، ص ۷۶۵.

۲. <http://www.spohr-publishers.com>.

۳. Das islamische Jahr: Zeiten und Feste - By Annemarie Schimmel - P 117 - C.H.Beck, 2001.

سپس به وصف جبل النور و غار حرا می پردازد.

اشپور سپس به سخنی از امام علی علیه السلام اشاره می کند که حجرالاسود فرشته ای الهی بوده و روز رستاخیز به سود کسانی که به حج آمده و برابر آن قرار گرفته اند، شهادت خواهد داد. (ص ۹۰)

او از زندگی حضرت ابراهیم و آموزش مناسک به دست او و تاریخ کعبه و بناهای نخستین آن یاد می کند. نخستین بار خانه کعبه را حضرت آدم بنا نهاد؛ اما در طوفان نوح این خانه ویران شد و حضرت ابراهیم که پدر مشترک سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام به شمار می رود، بعدها این خانه را بنا نهاد و از همین رو، نقشی اساسی در مراسم حج ایفا می کند. (ص ۷۹)

اشپور پس از طواف برای سعی میان صفا و مروه آماده می شود و به یاد همسر حضرت ابراهیم هفت بار این مسیر را طی می کند و تفاوت سعی خود را با سعی هاجر در این می داند که به جای هفت بار پیمودن این مسیر زیر تابش سخت آفتاب، آن را روی سطحی هموار و در محیطی سقف دار طی می کند که مسیرش با نور سبز مهتابی نشان داده می شود. (ص ۱۰۶)

اشپور به پیدایش چشمه زمزم و داستان ابراهیم و همسر و فرزندش در میان دو کوه

زیارت مرقد امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام می رود. او سپس در کربلا به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام و در نجف به زیارت مرقد مقدس امام علی علیه السلام می رود و ویژگی های این زیارتگاه ها را به اجمال بیان می کند. (ص ۶۰)

وی پس از نجف راهی مدینه شده، از مسیر رنج آور و سخت مدینه می گذرد. صدای اذان مسجدالنبی، دل او را می رباید؛ صدایی که آهنگی فرازمینی دارد و منحصر به شهر پیامبر صلی الله علیه و آله است. (ص ۶۶)

در بخش دوم گزارش های اشپور، خاطراتی از منازل میان راه مکه ارائه شده و درباره ذوالحلیفه، میقات مردم مدینه، که سفر حج اشپور از آن جا آغاز شده، گزارشی کوتاه آمده است. او اشاره می کند که ذوالحلیفه جایی است که مسافران ساده به زائر بدل می شوند.

وی سپس درباره فلسفه و حکمت حج و در پاسخ به این پرسش که چرا انسان ها به حج می روند، پاسخ آن را در عظمت مکه و کعبه به منزله گهواره توحید جست و جو می کند و می گوید: مکه حرم امن الهی و سرچشمه ایمان به توحید است. (ص ۸۲) او به دفترچه ای اشاره می کند که دولت عربستان سعودی درباره آداب حج منتشر کرده و پیش از احرام در اختیار زائران خارجی قرار داده است. وی

صفا و مروه اشاره می‌کند و از این که نام هاجر را برای خود برگزیده، اظهار شادمانی می‌کند؛ زیرا نام جوینده چشمه زمزم است؛ چشمه‌ای که بر اثر آن، یک شهر ایجاد شده است. در این جا از اهمیت آب در دیدگاه قرآن (سوره هود، آیات ۷-۱۱) و سخنانی از دانشمندان غربی در تأیید این مضامین یاد می‌کند. (ص ۱۰۹-۱۱۰)

او اشاره می‌کند که آدم و حوا یکدیگر را در عرفات دیدار کردند و شناختند و از این رو، این مکان را عرفات نامیدند. سپس به مکان دیگری رفتند و از آن جا که آدم از یافتن حوا بسیار خشنود بود، آن را منا یعنی طلب و آرزو نامیدند. وی از عرفات به منزله مکان و زمان شناخت خداوند یاد می‌کند. (ص ۱۱۳)

او در قسمتی از سفرنامه خود، تصویری از مسجدالحرام ارائه می‌کند و حالات مردم را که مشغول خواندن قرآن یا راز و نیاز با معبود خویش هستند، وصف می‌نماید و از آرامش قلبی خود در آن جا سخن می‌گوید.

اشپور خود را همچون قطره‌ای میان طواف کنندگان و حاضر در محیطی آرام بخش و معنوی می‌بیند. وی حس معنوی خود از عظمت اعمال و آداب حج را بیان می‌کند و خویشتن را مشمول عنایت الهی می‌داند و احساس تنهایی نمی‌کند. او تصور می‌کند که

در این محیط آکنده از تجلی معنویت، پروردگارش او را می‌نگرد. سپس از لمس رکن یمانی و اشتیاقش برای استلام حجرالاسود یاد می‌کند. (ص ۹۰)

سپس از راه مزدلفه و منا و سختی این مسیر که شبانگاه سختی آن دو چندان شده است، سخن می‌گوید. رمی جمره و سنگ زدن به ستون‌ها، حضرت ابراهیم را به یاد او می‌آورد که به شیطان سنگ زده است. او و همراهانش نزدیک میدان حج توقف می‌کنند و مراسم تقصیر را برای بیرون رفتن از احرام به جای می‌آورند. وی پس از کوتاه کردن اندکی از موی خود، از خدا می‌خواهد که حجش را بپذیرد. (ص ۱۲۱)

او با اشاره به فرمان خدا به حضرت ابراهیم برای قربانی کردن حضرت اسماعیل، عید قربان یا اضحی را عیدی بزرگ در سراسر جهان اسلام می‌داند و به مراسم قربانی اشاره می‌کند و می‌گوید: زائران با پرداخت پول به کسی و کالت می‌دهند تا گوسفند یا گاو را قربانی کند. (ص ۱۲۱)

در بخش سوم و پایانی، رخدادهای هنگام بازگشت از مکه یاد شده‌اند. وی در مسیر بازگشت، چند روز در جده استراحت کرده و سپس دیگر بار راهی مدینه شده و در مسجد قبا نماز گزارده و وصفی کامل از مسجد قبا ارائه کرده است. در روزهای بعد، وی به

اشتراط تحلل: از مستحبات احرام به معنای شرط کردن برای خروج از احرام هنگام پیش آمدن مانع

واژه اشتراط از ریشه «ش - ر - ط» به معنای شرط کردن و التزام به چیزی در عقود مانند عقد بیع است.^۱ واژه تحلل نیز از ریشه «ح - ل - ل» به معنای گشودن، باز کردن گره، وارد شدن و فرود آمدن^۲ است. مقصود از تحلل در اصطلاح، حلال شدن اموری است که با احرام حج و عمره، حرام شده است.^۳ معنای مصطلح اشتراط تحلل که گاه از آن با تعابیر «اشتراط در احرام»^۴ یا «استثناء در حج»^۵ نیز یاد شده، آن است که احرام گزار هنگام احرام بستن برای حج یا عمره با خدا شرط کند که اگر مانعی در اتمام مناسک برایش پدید آید، بتواند از احرام بیرون شود.^۶ این مانع در دیدگاه فقیهان، عام است و اموری از این قبیل را در بر می گیرد: تمام شدن هزینه سفر، نبودن

۱. لسان العرب، ج ۷، ص ۳۲۹؛ تاج العروس، ج ۱۰، ص ۳۰۵؛ «شرط».

۲. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۶۳؛ تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ «حل».

۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۷۰۰.

۴. مجمع الفائده، ج ۷، ص ۲۳۳؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۷.

۵. الموطأ، ج ۱، ص ۴۲۵؛ الام، ج ۲، ص ۱۷۲؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۱.

۶. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۲.

زیارت شهیدان احد رفته و وصفی از مزار حمزه، عموی پیامبر، به دست داده است. مسجد ذوقبالتین واپسین مکانی است که اشپور به وصف آن پرداخته است.

این سفرنامه در دسامبر ۱۹۹۸م. در ۲۰۰ صفحه به زبان آلمانی، به اهتمام انتشارات اشپور به چاپ رسید. به سال ۱۳۸۲ش. بخش مربوط به اقامت نویسنده در مکه و مدینه با عنوان حدیث نامکرر عشق، به کوشش محمد اخگری همراه مقدمه‌ای درباره پیشینه سفرنامه‌های اروپایی حج، به فارسی ترجمه شده و انتشارات آوینا آن را در ۱۲۷ صفحه منتشر کرده است.

◀ منابع

شرح فصوص الحکم: قیصری (م. ۷۵۱ق.)، به کوشش آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

<http://www.spohr-publishers.com/>

http://www.focus.de/politik/deutschland/reli-gion-probe-fuer-den-tod-aid_173373.html

Das islamische Jahr: Zeiten und Feste –
By Annemarie Schimmel – München –
C.H.Beck, 2001

سید حمیدرضا نجفی

